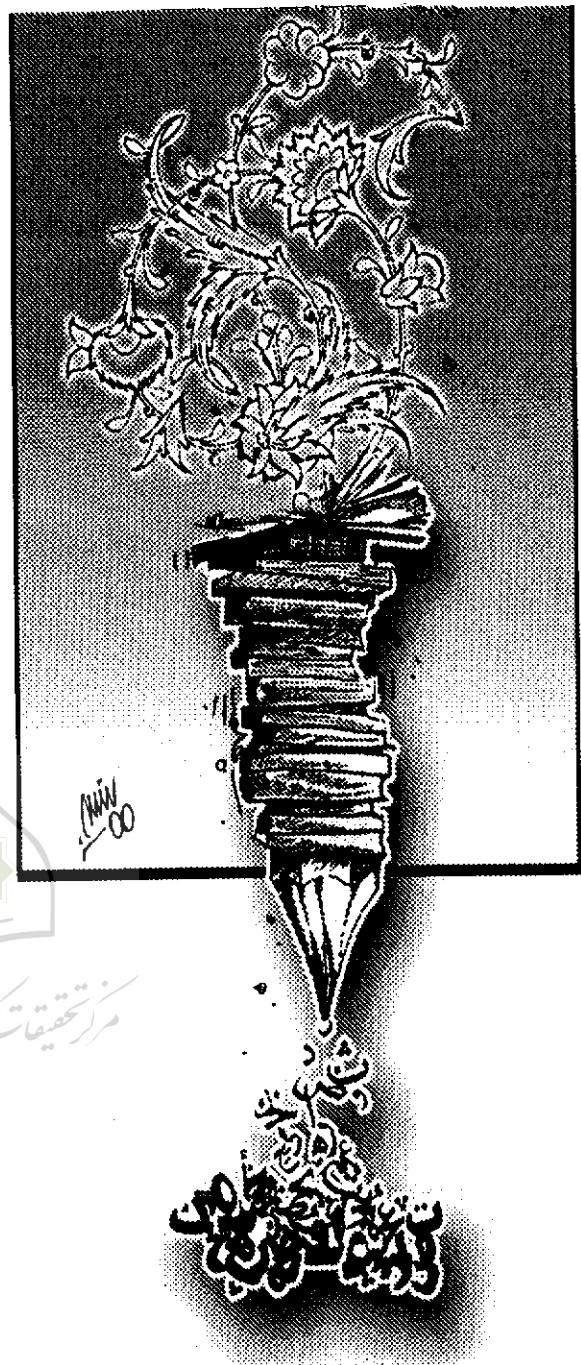


معرفی کتاب و نشریات

در هفته‌های گذشته، بازار کتاب شاهد چاپ و انتشار کتاب جدیدی در قلمرو «فلسفه حقوق» به قلم آقای ناصر قربان‌نیا، بود که مشترکاً توسط پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و سازمان مطالعات و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) به چاپ رسیده است. این کتاب که نگارنده نام «اخلاق و حقوق بین‌الملل» را برای آن برگزیده، عهده‌دار اثبات جایگاه رفیع اخلاق در حقوق بطور عام و حقوق بین‌الملل بطور خاص است. کتاب با مقدمه‌ای آغاز شده که در آن به بیان انگیزه، تاریخچه، تعریف نظریه، روش و ساختار بحث پرداخته شده و با نتیجه‌ای که برآیند تحقیق را بخوبی منعکس می‌کند، پایان می‌یابد.

کتاب دارای سه بخش است که در آنها به ترتیب از «نقش اخلاق در شکل‌گیری قواعد حقوقی»، «اخلاق و مبنای حقوق بین‌الملل» و «اخلاق و اهداف حقوق بین‌الملل» سخن گفته شده است. با نگاهی به مقدمه کتاب بخوبی می‌توان دریافت که چرا مؤلف آن را چنین سامان داده است: «... پرداختن به مسائل بنیادین و بحث‌های مربوط به فلسفه و مبانی حقوق بسیار ضروری است؛ چه آنکه در فلسفه حقوق پاسخ گفته می‌شود. در علم حقوق معلوم نمی‌شود که چرا قواعد حقوق الزام‌آور است و همه باید از آن اطاعت کنند؟ ارزش این قواعد بر چه مبنایی استوار است؟ به کدام گروه از قواعد اجتماعی می‌توان حقوقی گفت و اوصاف این قواعد چیست؟ این قواعد چه هدفی را دنبال می‌کنند؟ آیا بین حقوق و اخلاق و مذهب جدایی وجود دارد؟ تحولات اقتصادی، سیاسی، مذهب و اخلاق چه سهمی در ایجاد و تغییر قواعد حقوقی دارد؟ و صدھا پرسش دیگر که هیچ ذهن کنگماوی نمی‌تواند از آن به سرعت بگذرد.»

مؤلف بر این باور است که اخلاق باید در همه عرصه‌های فردی و اجتماعی حیات بشر بر صدر نشیند و قدر بینند و از این‌رو کوشیده است نقش و جایگاه اخلاق را در حقوق بین‌الملل که مقررات آن بر روابط میان کشورها در زمان جنگ و صلح حکومت می‌کند، نمایان سازد. به اعتقاد وی اصولاً حقوق بین‌الملل مبتنی بر مجموعه‌ای از قواعد



اخلاق و حقوق بین‌الملل

مؤلف: ناصر قربان نیا

تحقیق نیز آن است که رشد و گسترش کمی و کیفی قواعد هماهنگ با اخلاق، ارزش‌های مشترک و شخصیت انسانی با ایجاد نهادهای مطمئن توأم با ضمانت اجرا همراه گردد. در غیر این صورت حتی قواعد مورد پذیرش همگان، در حد احکام و دستورات محض اخلاقی باقی خواهدند ماند.

مؤلف: آمیر م. آزیدان (Amir M.A.Zaidan)
نام کتاب: العقیده (Aqida - Al)، مقدمه‌ای در باره ایمان -

عبادت
ناشر: هاردکور (Hardcover)، چاپ دوم با اصلاحات و تکمله، ۲۷۲ صفحه

«العقیده» اولین کتاب تخصصی به زبان آلمانی است که درباره عقیده و عبادت قلبی، با توجه به معیارهای معرفتی اسلام نوشته شده است.

در متن کتاب، نویسنده تمامی دقایق و ظرایف فرهنگ اسلامی را مد نظر داشته است. این کتاب شامل تعاریف تشریحی و مفصل کلمات کلیدی و تخصصی اسلام‌شناسی است از جمله: اسلام، مسلمانان، ایمان، مؤمن، کفر، کافر، شریک، مشرک، موالات، ولی، عقیده و... مؤلف بعد از آنکه در فصلهای اولیه کتاب ارکان ایمان را بر شمرده، به بحث درباره معانی ایمان پرداخته است. عنوانین فصلهای کتاب عبارتند از: الله تعالی، ملائکه خدا، رسولان الهی، کتابهای مقدسی که از جانب الله تعالی توسط رسولان برای هدایت بشر نازل شده است، قیامت، قضا و قدر. هم‌عده مؤلف کتاب این است که اسلام را به عنوان دین آزادی و آزادگی، آزادی عقیده قلبی و بندگی خالصانه در درگاه احادیث معرفی کند.

علمی که تکبر و منیت انسان در مقابل خدا را به همراه داشته باشد، جهل و ضلال است و علمی که معرفت الهی پیامدش باشد، نور و هدایت به شمار می‌آید.

گمراهی انسان در عصر حاضر ناشی از خودبینی و کبر علمی اوست در حالی که اگر در مقابل قدرت و عظمت خدا تسلیم می‌شده، حتی این جهان فعلی نیز برای او قابلیت وصول به بهشت را می‌داشت.

اخلاقی است و بدون تردید، اخلاق در ایجاد قواعد حقوق بین‌الملل نقش شایانی ایفا نموده است.

نویسنده با الهام از ژرژ ریپر (George Ripert)، حقوقدان شهیر فرانسوی که اخلاق را عامل اصلی حقوق می‌داند، تصریح نموده است که گرایش به حقوق به تهایی نمی‌تواند خرسند کننده باشد زیرا به این نکته توجه نمی‌کند که چرا باید به قاعده‌ای احترام گذارد و آن را بکار بست. برای اینکه شخص بتواند به روشنی مبنای حقوق را دریابد ناچار است به قلمرو اخلاق روآورد. اخلاق عامل اصلی ایجاد حقوق و نیروی پر توان و زنده‌ای است که کار ایجاد قواعد حقوق را رهبری می‌کند. اخلاقی چنان در میان حقوق گردش می‌کند که خون در بدن انسان.

در بخش نخست کتاب، ضمن آنکه فصلی به واژه‌شناسی اختصاص یافته، در فصل دوم دیدگاه فیلسوفان حقوق پیرامون موضوع، مورد بررسی قرار گرفته و در فصل سوم از پاره‌ای قواعد حقوقی متأثر از اخلاقی و مبتنی بر آن سخن به میان آمده است.

بخش میانی کتاب را مباحث «مبانی اخلاقی حقوق بین‌الملل»، «مبانی اخلاقی الزام معاہدات بین‌المللی و قاعده آمرة» و «مبانی اخلاقی حقوق بشردوستانه» تشکیل داده است.

در بخش پایانی، «حفظ صلح و امنیت بین‌المللی» و «ترویج روابط دوستانه» به عنوان دو هدف مبتنی بر اخلاق مورد توجه قرار گرفته است.

در قسمتی از نتیجه نهایی کتاب چنین می‌خوانیم: «برآیند این پژوهش را چنین می‌توان خلاصه کرد که در دهه‌های اخیر حقوق بین‌الملل به نحو فزاینده‌ای از اصول و قواعد اخلاقی تغذیه و تقویت شده است. این اخلاق‌سازی حقوقی «Moralization of law» که بهترین تجلیات آن عبارت است از پذیرش شخصیت، شان و متزلت انسانی، شناسایی ممنوعیت توسل به زور در روابط بین‌الملل و تقویت و ترویج تکلیف اخلاقی کشورها در همکاری بین‌المللی، در صورتی که عملأً تحقق یابد می‌تواند گامی در جهت ایجاد جامعه اصیل بین‌المللی محسوب گردد. شرایط

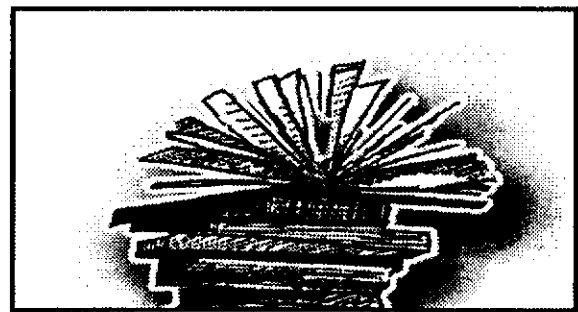
حتی وامداری شرق و مسلمانان از غرب در حوزه فلسفه اشاره نمود. این اثر ارزنده در صدد است تا با ارائه و تحلیل دقیق مستندات و نشانه‌های معتبر و فراوان، این وامداری گسترده غرب از شرق را باز نموده و رابطه غرب و شرق را از این زاویه بررسی نماید. جالب توجه است که اکثر این مستندات به منابع غربی تعلق دارد.

همچنین بنا به اظهار مؤلف، این پژوهش بیشتر مبنی بر مسئله علمی - اجتماعی و ضرورتاً بر محور دیدگاه جامعه‌شناسی علم، معرفت و دانایی است و از این دریچه‌ها موضوع بررسی می‌شود تا دانسته شود که چه متغیرهای مستقل و تاثیرگذاری در مجموعه‌ها و زیرمجموعه‌های انسانی - اجتماعی تمدن شرق و فرهنگ‌های ذیریط دست‌اندرکار بوده‌اند؟ چرا آثار و نتایج برتری نسبی علوم و معارف که حداقل در برده‌هایی از زمان به ثبوت رسیده، موجبات تغییر و تحول مغرب زمین گردیده است؟ به عبارت روشن‌تر در مسیر روابط و ارتباطات چگونه و چه چیزهایی، در اندازه‌های متفاوت دادوستد شده است؟ چه افت و خیزهایی را در پی نهاده است؟ کدامیک بیشتر سود برده‌اند یا در نظر و عمل به کار گرفته‌اند؟ چرا پس از بهره‌وری، از منابع فاصله گرفتند؟

در این اثر هدف اصلی این‌گونه بیان گردیده است: «یافتن پاسخهای محققانه و قابل بهره‌برداری عالمانه برای سؤالهای فراوان راجع به محتوای غنی، قویم و قدیم مفاخر و امتیازات علمی، معرفتی، فلسفی و کلاً دانایی و کمال‌گرایی در جامعه‌های ایرانی - اسلامی و بعضًا در مشرق زمین یا پرتوافکنی آنها در شرق و غرب» مؤلف محترم معتقد است: «در جهت تحقیق هدف اصلی فوق نیاز به بررسی زمینه‌ها و ریشه‌های شکل‌گیری و محتواپذیری متنوع در سیر تاریخی، سیاسی، علمی، معرفتی، فرهنگی، پرورشی و آموزشی جامعه‌های شرقی و آثار آنها در مغرب زمین است، و گاهی مبادله آشکار و نهان، مشبت و منفی، و ساده و مرکب یافته‌ها و داشته‌ها در آن سامان پیدا می‌کند.»

در این اثر سؤالات ذیل مورد بررسی قرار گرفته است:

الف. مبانی حکمت و معارف و دانش‌های عام و خاص



نگاهی به کتاب «وامداری غرب نسبت به شرق» (بویژه اسلام و ایران در حوزه علم، معرفت و دانایی) تحقیق و تالیف: دکتر محمد آراسته خو
از مجموعه آثار: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی - گروه غرب‌شناسی

همواره یکی از مدعیات مهم اندیشمندان شرق بویژه مسلمانان این است که: به رغم عقب‌ماندگی کنونی شرق - و بطور خاص دنیای اسلام - از علم و تکنولوژی غربی که جهان را به صورت گسترده از خود متأثر ساخته است، شرق، از دیر زمان کانون مزج و رشد علم، اندیشه و فرهنگ بوده و بزرگترین تمدن‌های بشری را زاییده است.

ظهور دین اسلام در شرق و جهش مسلمانان به سوی توسعه علم، اندیشه و فرهنگ، آن هم با محوریت و حضور گسترده دین، نقطه عطفی در این زمینه محسوب می‌شود. این مدعیات اغلب نزد اندیشمندان و فرهیختگان شرقی و غربی ثابت و آشکار شده و حتی غرب به اقرار غربیان بزرگترین وامدار شرق بویژه اسلام است، اما شاید به دلیل همین عقب‌ماندگی کنونی شرق از غرب و پیامدهای ناگوار این عقب‌ماندگی، پذیرش یا هضم این واقعیت در میان شرقیان دشوار است. لذا بحران از خودبیگانگی و هویت، بویژه در میان جوانان، یکی از مضطربات باسابقه ملل شرقی به شمار می‌آید و آنها را از خودباوری و جهش بسوی جبران عقب‌ماندگی و قرار گرفتن در وضعیتی که شایسته آن بوده و هستند، بازداشتی است. این بیان؛ یعنی: وامداری غرب از شرق، هرگز به معنای کوچک شمردن یا نادیده گرفتن غرب نیست. غرب نیز از دیرباز ولی عقب‌تر از شرق، دارای دستاوردهای مهمی در حوزه علم، اندیشه و فرهنگ بوده که برای مثال می‌توان به مزج و رشد فلسفه در یونان باستان و

برای ورود به بحث و با توجه به سؤالهای فوق، این امر دارای شش فرضیه اساسی است.

فرضیه اول: هر قدر ظرفیت و قابلیت فرهنگی، مدنی، علمی، فلسفی و معرفتی بیشتر باشد روح مساعدت و همزیستی، استقبال از آزادی (نسبی) و برابری و برابری در مقابل فرستها نه تنها قوت می‌گیرد، بلکه برخوردها و تصادمات نظری افراطیون (چه عقلی و چه ایمانی) نیز بر دوام، قوام و غنای امور می‌افزاید.

فرضیه دوم: میان فرهنگ، پرورش و آموزش، اراده آگاه، کنش و واکنش هوشمندانه در برایر انواع و اقسام قهرها (طبیعی، سیاسی، نظامی و...) از یک سو و تراوشهای پویای ذهنی - فرهنگی ارتباط برقرار است.

فرضیه سوم: اگر ایران و اسلام توانست بر فراز ویرانه‌های گذشته تمدن‌سازی و فرهنگ‌پروری کند، می‌توان استنباط کرد که علوم، متون، فلسفه و معارف بنویه خود در بستر فرهنگی پویا اثر گذارد و نقشها، پایگاهها، وضعیتها و موقعیتهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، پرورش و آموزش و ارزشها را هم نسبتاً به ارتباط منطقی بکشاند.

فرضیه چهارم: چنانچه مرفولوژی و فیزیولوژی اجتماعی (به مفهوم عام) در جامعه و جامعه‌های در تاثیر و تاثر، بواسطه اتحاد تدابیر سنجیده نخبگان و اعضای آنها در جهت رشد و توسعه دانشوری مطلوبتر گردد.

فرضیه پنجم: طرز تلقی ریشه‌دار و پویا نسبت به امور این جهانی و آن جهانی (باقي) اخلاق مسئولیت نسبت به تعلقات دینی و ملی، برقراری روابط نسبتاً متوازن میان خویش‌پرستی و جامعه‌پذیری، همیاریهای سنتی، تعمیق ادراک داشته‌ها و یافته‌های نوین می‌توانند تمدن و فرهنگ را غنی‌تر، علوم و معارف را در اندازه‌های متفاوت فراگیر، همه‌جانبه و نسبتاً پایدار نمایند و بگسترانند.

فرضیه ششم: استفاده غربیان از آثار و نتایج پیشرفتهای علمی، فنی، فلسفی و معرفتی تمدن و فرهنگ شرق خصوصاً عالم اسلام و ایران همراه با شناخت متغیرهای قدرت و اقتدار، اقتصاد، امور کشورداری و مدیریت در مناطق مذکور بوده، هر چند در بسیاری موارد از اقرار به آنها

ایران قبل از اسلام چه بود و چرا نظر جهانیان به آنها جلب شد؟

ب. دلایل رشد، توسعه و غنای فرهنگی، معرفتی، علمی و فنی مردمان مشرق زمین چه بود؟
پ. برخی از عقاید و آرای فلاسفه و شرق‌گرایان مغرب زمین کدام بودند و حول چه محورهایی قرار داشت؟
ت. چگونه عناصر متصاد فرهنگی و معرفتی در شرق و جامعه‌های پیش از ظهور اسلام، بر خلاف تصادمات نظامی به همزیستی گرویدند؟

ث. آیا در مشرق زمین (پیش از اسلام) بیشتر به نیازهای فیزیولوژیک تمايل بود یا به نیازهای ایدئولوژیک یا هر دو؟

ج. تاثیر و تأثیر عوامل فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، طبقاتی، پرورشی و آموزشی قبل و مقارن اسلام چگونه بود و چه روندی داشت؟

چ. علل و عوامل بلوغ، نمو و نشورآراء، عقاید و معارف پس از ظهور و گسترش اسلام کدامند؟

ح. مبانی گسترش حکمت نظری و عملی، علوم و فنون و معارف را تأثیرهای قرن پنجم هجری چگونه باید شناخت؟
خ. غربیان چه چیزهایی را در کدام زمانها زیرنظر گرفتند و از آنها بهره برندند؟

د. مبانی اسکولاستیک و سپس نوزاوی (رنسانس) غربیان چه بود؟

ذ. جنگهای صلیبی از لحاظ حکمت، علوم، فنون و معارف به سود کدام طرف تمام شد؟
ر. اعتراضات این خلدون از برای چه و به چه منظوری بود؟

ز. احتشام، ابهت و عظمت بدخی از شخصیتهای پس از قرن ششم هجری ناشی از چه بود؟

ژ. در حوزه علوم، معارف، حکمت و دانایی، وامداری غربیان چقدر و چگونه بیشتر گردید؟
س. بسترهای معرفتی اسلام، با بسترهای فرهنگی ایران چه مناسبتی داشت و ایرانیان چگونه از آن بهره برندند؟
غریبان چطور از هر دو؟

سرباز زده باشند.

صاحب نظر، هم عارفی به حق واصل، هم فقیهی متبحر، هم مفسری به لطائف نهانی قرآن رسیده، هم محدثی به اسرار مخفی احادیث راه یافته، هم اسلام‌شناسی به رموز اسلام واقف و در یک جمله فردی جامع و ژرفاندیش و محیط بر معارف اسلامی در تمام ابعاد چون یگانه دوران، علامه طباطبائی قدس سرّه، کم به یاد دارد.

در بین آثار متعدد علامه طباطبائی بحق می‌توان دو کتاب نفیس و قیم «بداية الحكمه» و «نهاية الحكمه» را بسان دو گوهر درخشان و بر حلقة حکمت صدرایی دانست. براستی این دو کتاب توانستند زلال حکمت متعالیه را در ساغر پیراسته خود بروزند و از خس و خاشاک اوهام پاک و منزه بدارند تا به کام تشهی کامان رسانیده، و صفحه زرین حقیقت را در جان آنان ورق بزند.

و اکنون تعلیقات نهایة الحكمه با ژرف‌نگریهای خاص خود که از خصوصیات مؤلف فاضل آن است به خیل عظیم تألیفات فلسفی پیوسته است. کتاب مذکور اثر ارزشمند استاد فرزانه حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین فیاضی است. این کتاب ارزشمند دارای شاخصهای درخشانی است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- از جمله امتیازات این کتاب آن است که گرچه این تعلیقات در طی سالها تدریس کتب مختلف فلسفی بخصوص کتاب شریف نهایة الحكمه به خامهٔ توانای ایشان مرقوم شده، لیکن از این جهت که دست‌نویسهای بارها مورد مذاقه برخی فضلاء قرار گرفته، از نظر محتوا در خور توجه شایان است.

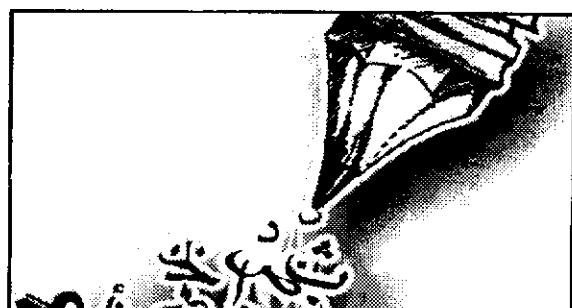
ناگفته نماند مؤلف تعلیقات، دست‌نویس خود را بر کتب مختلف فلسفی و عرفانی بارها بدون منت و بی‌دریغ در اختیار افراد مختلف قرار داده‌اند لذا در برخی از ترجمه‌ها، شرح‌ها و پایان‌نامه‌ها در زمینه‌های مختلف اعم از معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی از آثار و اندیشه‌های ایشان استفاده زیادی شده و نظرات و تعلیقات ایشان یا عیناً یا به صورت ترجمه و یا با تبیین و توضیح شفاهی ایشان در اختیار دانش‌پژوهان قرار داده شده است.

۲- نسخه‌های موجود از کتاب نهایة الحكمه حتی برخی

این کتاب دارای ۲ بخش عمده است. بخش اول تحت عنوان ملاحظات مقدماتی، خود دارای دو فصل می‌باشد. فصل اول عمدتاً به بیان چگونگی بررسی با توجه به گسترده‌گی مکانی و طولانی بودن زمان، هدفها، سؤال‌ها و فرضیه‌ها، متغیرها و رابطه‌ها، روشهای پژوهش و پیشنهاد تحقیق، پرداخته است. فصل دوم این بخش دارای دو مبحث می‌باشد: ۱- تعریف مفاهیم و اصطلاحات ۲- علوم، معارف و گستره دانایی شرق و ایران باستان قبل از ظهور و گسترش اسلام.

بخش دوم این کتاب تحت عنوان مقارنه و مقایسه غرب و شرق با ظهور و گسترش اسلام، دارای سه فصل می‌باشد. فصل اول دارای دو مبحث است ۱. علوم، معارف و دانایی پس از ظهور و گسترش اسلام و ایران ۲. شرایط و روابط اجتماعی - فرهنگی در ممالک اسلامی بسویه اعراب و ایرانیان. فصل دوم نیز دارای دو مبحث است ۱. رهیافت‌ها و بهره‌برداری از حکمت‌ها، علوم و معارف عالم اسلام و ایران توسط غرب و اروپا ۲. شواهد و مصاديق. فصل سوم از بخش دوم نیز دارای دو بخش است ۱. استنباط پژوهشی ۲. رهیافت‌ها و پیشنهادها.

□ رضاعلامی



تصحیح و تعلیقات بر کتاب نهایة الحكمه

مؤلف: غلام‌رضا فیاض

ناشر: موسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، ۳۱۹ ص.

تاریخ، بزرگان بسیاری را که هر کدام در یکی از شاخه‌های گوناگون درخت تناور معارف اسلامی به عظمت و شکوه رسیده‌اند، بیاد دارد اما شخصیتی که هم فیلسوفی

نگاهی به بولتن مرجع (فلسفه فقه)

بولتن مرجع عنوان مجموعه مقالاتی است هر یک از آنها در زمینه خاص خود از دیدگاه صاحبنتظران آن رشته، نقطه عطف به حساب می‌آیند. مراد از نقطه عطف آن است که مقاله یا کتاب مورد نظر حداقل دارای یکی از ویژگی‌های زیر باشد:

۱- نظریات سنتی در آن رشته را به بورتة نقد جدی بگذارد.

۲- تبیین جدیدی از نظریات قبلی ارائه دهد.

۳- نظریه جدیدی را در آن رشته مطرح کند.

از مجموعه بولتن مرجع تاکنون ۴ شماره تحت عنوانین فلسفه فقه، قرآن‌پژوهی، دین و اخلاق و فمینیسم از سوی دفتر مطالعات اسلامی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی منتشر شده است و عنوانین دیگری چون فلسفه دین، هرمنوتیک، عرفان و اخلاق و فقه پژوهشی در دست انجام است.

بولتن مرجع، در شماره ویژه فلسفه فقه، با استفاده از مقالات برتر فارسی، عربی و انگلیسی در صدد پاسخگویی به دو سؤال زیر بوده است:

۱- آیا اساساً دانشی به نام فلسفه فقه وجود دارد یا می‌تواند وجود داشته باشد یا وجود آن ضروری است؟
۲- آیا در روش اجتهد معهود حوزه‌های علمیه شیعی و سنی می‌توان طرحی نو در انداخت و با وجود پاره‌ای از اشکالات معرفت شناسانه و روش شناسانه در روش مذکور، آیا نباید به روشی دیگر که پاسخگوی مقتضیات روزگار ماست، پناه برد؟

این مجموعه مقالات در پاسخگویی به سؤال اول، بیشتر از مقالات فارسی بهره برده است و با طرح نظریات و دیدگاههای اساتید دانشگاهی و حوزوی می‌کوشد ضرورت دانشی به نام فلسفه فقه را اثبات کند.

در فلسفه فقه، اهداف فقه، قلمرو آن، رابطه فقه و زمان و مکان، متداول‌وزیری تحقیق تاریخی در فقه، منابع فقه، شیوه تفسیر نصوص دینی و مهمتر از همه پیشفرضهای حاکم بر فقه و فقهیان مورد بحث قرار می‌گیرند. این مسائل به خوبی

از آنها که با بازنگری و تصحیح مجدد اخیراً به طبع رسیده است، خالی از اغلاط نیست ولی متنی که اکنون به همراه تعلیقات استاد منتشر شده، بارها مورد مذاقه و تصحیح ایشان قرار گرفته و از نظر صحبت و ویرایش متن، در نوع خود کم نظیر است. امید آن که در آینده این متن بسیار نفیس بطور جدایگانه به طبع رسیده و در اختیار دوستان حکمت و فلسفه قرار گیرد.

۳- هدف اصلی از ارائه این تعلیقات موشکافانه، تبیین و توضیح اسرار و رموز عبارات و مفاهیم کتاب نهایة الحکمة و رفع برخی از اشکالات طرح شده در مورد مطالب آن است و از این جهت برای عموم محصلین علوم عقلی و بخصوص برای مدرسین این کتاب شریف بسیار سودمند خواهد بود. ولی در مواردی که مؤلف تشخیص داده‌اند هر چند به اشاره و ایجاز، به نقد و تحلیل آرای علامه از یک طرف و نظرات فلاسفه از طرف دیگر نشسته‌اند و در موضع مختلفی به این اندازه اکتفا نکرده و به ارائه نظرات محققانه خود پرداخته‌اند.

بطور مثال در تعلیقه ۹ در فصل دوم از مرحله اولی، در مباحث اصالت وجود پس از نقد نظر رایج در مورد اصالت وجود و اعتباریت ماهیت با توجه به اینکه نظریه اصالت ماهیت و اصالت وجود و ماهیت هر دو را باطل می‌دانند، به نحو ایجاز به طرح نظریه خود مبنی بر عینیت وجود و ماهیت در خارج پرداخته‌اند. این مسئله که از ارکان اساسی حکمت متعالیه بشمار می‌رود و شاید بتوان مدعی شد اکثر مباحث حکمت متعالیه مبتنی بر آن است، در جزوی ایجادگانه تحت عنوان «طالع ماهیات در آسمان هستی» مورد مذاقه و ژرف‌نگری ایشان قرار گرفته است. ایشان در ابتدای پس از طرح مقدمات ضروری در این بحث، به تقریرهای مختلف از اصالت وجود اشاره کرده‌اند و سپس به تبیین نظریه خود پرداخته‌اند و در ادامه با بیان اثرات این نظریه بر مباحث مختلف فلسفی و نارسایی تقریرات مطرح شده قبلی در مورد اصالت وجود، به توجیه بسیاری از مباحث فلسفی پرداخته‌اند و در جزوی ای دیگر با تحلیل و تبیین ادله اصالت وجود، عدم تهافت این ادله را با نظریه مورد قبول، آشکارا به اثبات رسانیده‌اند.

نشان می دهند که فلسفه فقه یک دانش پیرون فقیهی و از معرفتهای درجه دوم به حساب می آید و از این رو، می توان آن را دانشی نو دانست.

در پاسخ سوال اول، بولتن مرجع، دو دسته مقاله ارائه می دهد. این مقالات به طور عمده از متغیران غیرایرانی است. در یک دسته از این مقالات به نقد روش اجتهداد و مبانی کلامی فقه و اهداف شریعت پرداخته شده است. از جمله این مقالات می توان به «مقاصد الشریعه» ابواسحاق شاطبی و «دانش فقه به مثابه بنیاد روش شناختی» از محمد عابدالجابری و «تحول و تکامل فقه» از ایگناس گلدزیهر اشاره کرد.

در دسته دوم مقالات، نویسنده کان می کوشند روش اجتهداد نوینی را در فهم مسائل فقهی بیان کنند. در این قسمت، بولتن مرجع سه مقاله را که در حقیقت خلاصه سه کتاب است ارائه می کند. این سه کتاب عبارتند از:

- العقل عند الشیعة الامامیه / رشدی محمد عرسان علیان
- الامام الشافعی و تأسيس الايديولوجية الوسطية / نصر حامد ابو زيد

- من الاجتهد الى نقد العقل الاسلامي / محمد اركون

در بخش دوم به مقالات دیگری در همین باره برمی خوریم که متن اصلی آنها به همراه چکیده فارسی درج شده و امید است تمامی متن توسط مترجمان قابل برای علاقمندان به زبان فارسی برگردان شود.

از جمله این مقالات، مقاله «نقش مجتهد در روش‌شناسی شافعی: رهیافتی هرمنوتیک» از م.پاشا است. تنها مقاله فرانسوی این مجموعه زیر عنوان «فقه و حقوق» از نویسنده مسلمان مقیم فرانسه، برهان علیون است که در مجله شماره ۴۶ کیان نیز به فارسی منتشر شده است. سردبیری شماره اول بولتن مرجع بر عهده حجت‌الاسلام اکبر قنبری بوده و بقیه شماره‌ها متناسب با موضوع، سردبیران دیگری یافته‌اند.

لازم است از تمامی دست‌اندرکاران تهیه بولتن مرجع و بویژه مدیریت مطالعات اسلامی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی تقدیر شود.

